

دست‌پخت این شورا و مرکز است. مصوباتی که چشم‌انداز واضحی برای آینده اینترنت در ایران ترسیم کرده است: استقلال کامل شبکه ملی اطلاعات در سه لایه زیرساخت، خدمات (نرم‌افزارها و پلتفرم‌ها) و محتوا از اینترنت به‌عنوان یک شبکه درهم‌تنیده بین‌المللی. به این معنا که این شبکه بتواند بدون نیاز به اینترنت نیازهای کاربران را رفع کند و مشوق‌های سلبی و ایجابی مختلفی برای استفاده کاربران از خدمات مبتنی بر این شبکه به جای اینترنت در نظر گرفته شود.

اما شورای عالی فضای مجازی تنها نهاد فراه‌دلتی در زمینه حکمرانی اینترنت نیست. کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه که زیر نظر معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور فعالیت دارد، دادگاه‌های محلی، شورای امنیت کشور (شاک) و شورای عالی امنیت ملی (شعاع)، سایر نهادهای مهمی هستند که هر کدام دست‌ی بر آتش فیلترینگ داشته‌اند. در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد قوه مجریه چندان کاری فراتر از مجری بودن اوامر بالادستی از دستش بر نمی‌آید.

صحبت‌هایش را کسب‌وکارهایی چون بله، روبیکا، سروش، اپنا، نشان، بلد، اسنپ، تپسی، کافه بازار و باد صبا معرفی کرده بود. او در این مناظره گفته بود: «امروز در سطح جهان، فضای مجازی نقش فزاینده‌ای در حکمرانی دارد و گفته می‌شود مرزهای جدید آنجاست که سکو، کاربر مؤثر و فعال داشته باشد.»

به نظر می‌رسد اشاره جلیلی به قوانین سختگیرانه‌ای که دیگر کشورها برای پلتفرم‌های غیرداخلی تصویب می‌کنند و مثال آوردن از برخورد آمریکا با تیک‌تاک و قوانین اتحادیه اروپا، نشان از آن دارد که حداقل نمی‌توان از این کاندیدا انتظار پیگیری رفع فیلتر پلتفرم‌ها را داشت. تأکید او بر اینکه «نشان» توانست جای «ویز» را که فیلتر شده بود بگیرد، نشان می‌دهد رویکرد او به مقوله پلتفرم‌های خارجی در راستای دولت سیزدهم است؛ حمایت از برخی داخلی‌ها برای ارائه جایگزین پلتفرم‌های خارجی. هر چند به‌نظر نمی‌رسد با وجود کاهش درآمدها و محدودیت منابع دولتی، این حمایت‌ها شامل حال همه پلتفرم‌های داخلی شود.

نگاه جلیلی به هوش مصنوعی نیز جالب توجه است. او معتقد است، نگرانی‌هایی در خصوص سرکوب اطلاعات معتبر و اشاعه داده‌های غلط وجود دارد و فضای مجازی را ابزاری جهت سلطه می‌داند؛ نظام سلطه‌ای که از یک طرف سایتهای علمی و پژوهشی را بر جوانان می‌بندد و از سویی دیگر عکس حاکم را حذف می‌کند.

او در مناظره پیشین گفته بود: «سکوهای ارتباطی می‌توانند سکوی جهش مردم ایران باشند. ما امروز ظرفیت بسیار خوبی داریم و یک جهان فرصت در این زمینه هست. اگر با استفاده از همین ظرفیت‌ها برای کسانی که محتوا تولید می‌کنند، ۱۰ درصد اینترنت مصرفی را بپردازید چه موج وسیعی از اشتغال ایجاد خواهد شد؟ برای بسیاری از زنان در این بستر چقدر شغل و درآمد کسب خواهد شد؟ میلیون‌ها نفر صاحب شغل می‌شوند به‌شرطی که دولت سهم آنها را از درآمد اینترنت پرداخت کند.» مشخص نیست منظور جلیلی از تولید محتوا در سکوهای ارتباطی چیست. کاری که به‌باور او می‌تواند میلیون‌ها نفر را صاحب شغل و درآمد کند.

► **شبکه ملی اطلاعات و اختیارات رئیس‌جمهور**
یکی از موضوعات مورد بحث در خصوص اینترنت طی سال‌های اخیر، مسئله توسعه شبکه ملی اطلاعات و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن است.

شبکه ملی اطلاعات یا همان اینترنت ملی ایران، پروژه‌ای برای توسعه زیرساخت اطلاعاتی امن و پایدار ملی در کشور است. طبق تعریف مصوب در تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه و مصوبه شورای عالی فضای مجازی، «شبکه ملی اطلاعات کشور، شبکه‌ای مبتنی بر قرارداد اینترنت (IP) به همراه سوئیچ‌ها و مسیریاب‌ها و مراکز داده‌ای است به‌صورتی که درخواست‌های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند، به‌هیچ‌وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.» هر چند ایده اولیه این شبکه در سال ۱۳۸۴ در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تحت عنوان «اینترنت ملی» و «شبکه ملی اینترنت» طرح شد و مراحل مطالعاتی آن در دولت نهم انجام شد، اما به‌عنوان یک سند بالادستی، تمامی دولت‌ها موظف به تکمیل مراحل آن هستند. کمااینکه به موجب قانون هفتم توسعه به منظور افزایش دسترسی به شبکه ملی اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی و با ارتقای مدل اقتصادی و تعدیل تعرفه خدمات ارتباطی کشور، امکان اتصال اماکن اداری،

تا اینجا روایت مرسوم میان مردم از نظر حقوقی اثبات شده است. اما سیستم حکمرانی در ایران نیز با وجود سلسله‌مراتبی که نقش‌آفرینان را محافظه‌کار می‌کند، مثل هر سیستم دیگر برآیند نظر ذی‌نفعان مختلف است. نقش دولت در بسیاری از این نهادها هر چند مهمترین یا موثرترین نیست، اما گاهی می‌تواند در مقام یک چانه‌زن عمل کند یا برداشت خود را از مصوبات اجرا کند. دولت نه در مقام یک سیاست‌گذار، که به‌عنوان یک مجری اندازه محدودی اختیارات در زمانبندی و شیوه اجرای مصوبات دارد و گاه ممکن است حاضر شود هزینه‌های لازم برای مقابله با یک مصوبه را هم بدهد، اگر اراده و انگیزه‌اش را داشته باشد. نظیر اجرا نکردن دستور فیلترینگ اینستاگرام در دولت قبلی که حتی وزیر ارتباطات را به‌خاطرش به دادگاه کشاندند. در این صورت ممکن است با ایجاد کمی اصطکاک در اجرای مصوبات، تکنولوژی‌های جدید از راه برسند و بازی موش و گربه فیلترینگ و فیلترشکن‌ها به‌نفع حق دسترسی آزاد به اینترنت جلو بیافتند.

اما مسئله مهم‌تر سوی دیگر ماجراست. آنجا که دولت نه‌تنها

تجاری و مسکونی شهرهای هر استان به شبکه ملی اطلاعات را از طریق شبکه دسترسی مبتنی بر تار (فیبر نوری) و دسترسی پرسرعت روستاهای بالای ۲۰ خانوار فراهم کند. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است گزارش عملکرد این بند را هر شش‌ماه یک‌بار به مجلس ارسال کند. در این بین شورای عالی فضای مجازی، به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در موضوعات مربوط به فضای مجازی اعلام شده و حسب مورد، مصوبات آن برای تمام دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجراست.

ایجاد فضایی امن برای داده‌های داخلی، مسئله‌ای است که بسیاری از کشورها در دستور کار خود قرار داده‌اند. اما در ایران موضوع به همین ختم نمی‌شود. دو دیدگاه در این مورد وجود دارد؛ یکی اینکه اینترنت داخلی برای عموم مردم کافی است و دسترسی شهروندان به اینترنت جهانی قطع خواهد شد و دیگری اینکه اینترنت داخلی نیز در کنار اینترنت جهانی فعالیت می‌کند و به نتیجه رسیدن شبکه ملی اطلاعات، به‌معنای قطع دسترسی اینترنت جهانی نخواهد بود.



محمد رهبری، جامعه‌شناس سیاسی درباره شبکه ملی اطلاعات و نقش شورای عالی فضای مجازی به

هم‌میهن می‌گوید: «ما شورای عالی فضای مجازی را داریم که یکسری سیاست‌ها از سوی این شورا دنبال می‌شود. متأسفانه در سال‌های اخیر برخی از اختیارات دولت و نهادهای قانون‌گذار به این شورا منتقل شده است. این واقعیتی است که در ساختار سیاسی ما وجود دارد. منتها همچنان در این بین رویکرد رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطاتش اهمیت دارد و دولت می‌تواند نقشی مؤثر داشته باشد. رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی فضای مجازی است و نقش ویژه‌ای در جهت‌دهی به تصمیمات آنجا دارد. اگر هدف از شبکه ملی اطلاعات، حفظ محرمانگی داده‌ها باشد تا برخی از داده‌ها و اطلاعات در معرض استفاده دیگران نباشد، این هدف به اشکال دیگری می‌تواند محقق شود به‌نحوی که لازم نباشد دسترسی به اینترنت جهانی محدود گردد. حفظ امنیت اطلاعات و داده‌های مهم مردم تضادی با استفاده از اینترنت جهانی ندارد. هر چند نگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید همه اطلاعات و تبادلات مردم باید در این شبکه ملی اطلاعات اتفاق بیفتد که مشکل‌ساز خواهد بود.»

او درباره تفاوت رویکرد سعید جلیلی و مسعود پزشکیان می‌افزاید: «تفاوت در نگاه این دو نامزد انتخاباتی به موضوع اینترنت بسیار روشن است. حامیان دو نامزد نیز تأییدی بر تفاوت دیدگاه این دو نفر در مقوله اینترنت هستند. کسانی از آقای جلیلی در انتخابات حمایت می‌کنند که در دولت سیزدهم حامی فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی بودند. مانند آقای مؤمن‌نسب که نگاهش به اینترنت خاص است و همه کسانی که در حوزه فناوری مطالعه دارند، می‌دانند حامیان آقای جلیلی به کنترل هر چه بیشتر اینترنت فکر می‌کنند. اما از سوی دیگر حامیان آقای پزشکیان این نگاه را به اینترنت ندارند و کسانی هستند

چانه‌زنی نکنند، که در مقام تسهیل‌گر و پیشگام برای هر چه محدودتر کردن حق اینترنت تمام‌توان خود را بگذارد. اینجا اتفاقاً دست دولت بسیار باز است. می‌تواند مصوبات را سریع‌تر و حتی فراتر از انتظارات اجرایی کند. می‌تواند خود نیز رأساً در راستای محدودیت‌های بیشتر وارد گود شود و کسی هم در ساختار محافظه‌کارانه حکمرانی جلودارش نخواهد بود. حتی اگر روزی موفق شود بدون ایجاد مشکل برای سازوکارهای روتین کشور، اینترنت را هم قطع کند بعید نیست از سوی ارکان فوق‌الذکر تشویق هم بشود. اینجاست که می‌توان گفت فرق می‌کند چه کسی در دولت باشد! نه از این باب که کسانی می‌توانند رفع فیلترهای گسترده را اجرایی کنند یا به‌شکلی ایجابی قدمی برای حق دسترسی اینترنت بردارند. بلکه از این جهت که دشمنان اینترنت اشتیاق رسیدن سریع‌تر به آرمان‌هایی را در سر دارند که هزینه و تبعات آن برایشان مهم نیست. همان‌گونه که تبعات تحریم‌ها برایشان مهم نیست. همان‌گونه که مشارکت پایین مردم در انتخابات برایشان مهم نیست.

که مخالفت خود را با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و اعمال محدودیت‌های بیشتر روی اینترنت اعلام کرده‌اند. آقای پزشکیان هم در مواضع خود روی این نگاه تأکید کرده است. چنانچه مواضع آقای پزشکیان و آقای جلیلی را مقایسه کنیم، به‌خصوص در مناظره سوم در دور اول و همچنین مناظره او در دور دوم انتخابات که موضوع فضای مجازی مطرح شد، این تفاوت‌ها بیشتر آشکار می‌شوند؛ جایی که پزشکیان صریحاً مخالفت خود را با فیلترینگ اعلام کرد ولی ما چنین موضعی را از سمت جلیلی ندیدیم؛ برعکس به‌نظر می‌رسد که او از ایجاد دست‌انداز در رابطه با اینترنت حمایت می‌کند.» اما اگر شورای عالی فضای مجازی در مسائل اساسی اختیارات را در دست گرفته‌اش، از رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطات او چه توقعی می‌توان داشت؟ رهبری در این خصوص می‌گوید: «این را در نظر داشته باشید که به هر حال رئیس‌جمهور با اتکا به رأی میلیون‌ها نفر، جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند مذاکره و تعامل با رئیس شورای عالی فضای مجازی و افراد و نهادهای مؤثر دیگر در این حوزه داشته باشد. بر این اساس فرق می‌کند کسی که به‌عنوان رئیس‌جمهور با این نهادها گفت‌وگو می‌کند، حامی فیلترینگ و محدودیت‌های بیشتر باشد یا مخالف این موضوع و مخالفت خود را حداقل در سطوح عالی ابراز کند و تلاش کند نظر دیگران را تغییر دهد یا حداقل تعدیل کند. رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی فضای مجازی و همچنین کسی که وزیر ارتباطات را به مجلس پیشنهاد می‌کند، همچنان اختیارات مهمی در این عرصه دارد. شش نماینده از دولت در کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی حضور دارند. آنها می‌توانند به تصمیمات کلان در این حوزه شکل دهند. بنابراین این‌طور نیست که رئیس‌جمهور نقشی نداشته باشد؛ هر چند همه اختیارات دست او نیست. با این حال در صورت حساسیت رئیس‌جمهور و نمایندگان آن در کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی، می‌توان انتظار داشت که سرعت اینترنت افزایش یابد و اختلالاتی که بر اینترنت اعمال می‌شود کاهش پیدا کند. در حال حاضر اینترنت با اختلالات بسیاری مواجه است و وزارت ارتباطات می‌تواند کمک کند که اینترنت با کیفیت‌تری در اختیار مردم قرار گیرد.»



زیست مجازی و سیاست‌گذاری ارتباطی



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

در جهان و جامعه‌ای به‌سر می‌بریم که نمی‌توان بدون توجه به رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین مثل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جامعه و زندگی را اداره کرد. هیچ سیاستمداری نمی‌تواند مدعی مدیریت جامعه شود مگر اینکه برنامه‌هایش درباره فضای مجازی، پیوست سیاست‌گذاری‌هایش باشد. آنچه از برآیند صحبت‌های شش‌نمزد درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در مناظره‌ها می‌توان گفت این است که مهم‌ترین نکته در بحث میان نامزدهای دور اول مخالفت هر شش نفر با اصل فیلترینگ به‌شکل فعلی بود. غافل از آنکه دولت در موضوع فیلترینگ اختیار تام‌ناردرآی به‌مسئودسازی در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه صادر می‌شود. این کارگروه زیر نظر دادستان کل کشور فعالیت می‌کند و متشکل از ۱۲ نفر می‌باشد که شش نفر آنها از طرف قوه مجریه هستند. جلیلی، قاضی‌زاده‌هاشمی و راکانی در نوبت‌های خود از برنامه دولت شهید رئیسی در حوزه توسعه زیرساخت اینترنت تجلیل کردند و به رشد ۶۰ درصدی شبکه ملی اطلاعات و امکان دسترسی ۴۰ درصد از خانوارها به‌فیلترشکن و پورمحمدی نیز ضمن انتقاد از فیلترینگ به‌مسائلی از جمله گردش مالی فروش فیلترشکن و مشکلات ایجادشده برای کسب‌وکارهای آنلاین در اثر محدودیت‌های اعمال‌شده پرداختند. قالیباف نیز ضمن اعلام مخالفت خود با فیلترینگ و اشاره به خطرات آن، فضای مجازی را یک فرصت بزرگ برای کشور دانست و بر لزوم حکمرانی آن تأکید کرد. او همچنین بر اهمیت احترام به حریم خصوصی و توسعه اقتصاد دیجیتال و ارزش‌های دیجیتال تأکید کرد. اگر چه نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سخنان خود درباره فضای مجازی به‌بیان برخی نکات و مسائل کلیدی این حوزه پرداختند، اما در مجموع به‌نظر می‌رسد که هیچ‌یک به‌جز برخی محورهای پراکنده و ناقص، برنامه مشخصی برای حکمرانی فضای مجازی، ارتقای سرعت اینترنت، ایجاد ارتباطات پایدار، کاهش اختلال و قطعی در این حوزه، افزایش سهم اقتصاد دیجیتال، حمایت از کسب‌وکارهای اینترنتی، افزایش پهنای باند و... ندارند؛ امری که سبب نگرانی بسیاری از کارشناسان و فعالان این عرصه درباره آینده فضای مجازی و اقتصاد دیجیتال کشور شده است. از سوی دیگر برخی وعده‌های اعلام‌شده از سوی نامزدها مبنی بر توقف فیلترینگ نیز، چندان با اختیارات و توان دولت در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه همخوانی ندارد و همین امر، تحقق وعده‌های ارائه‌شده را در حال‌های از ابهام قرار می‌دهد. بی‌شک فضای مجازی یکی از مسائل اساسی و حیاتی در دنیای امروز است که نقش بسزایی در تسهیل ارتباطات، بهبود کسب‌وکارها و توسعه اقتصاد دیجیتال ایفا می‌کند. با این حال این حوزه با چالش‌های متعددی مواجه است که شامل امنیت اطلاعات، حریم خصوصی، سرعت و پایداری اینترنت و محدودیت‌های اعمال‌شده بر برخی پلتفرم‌ها می‌باشد. علاوه بر این، خلأ قوانین و مقررات مناسب برای فعالیت‌های آنلاین نیز به‌مشکلات حقوقی و قانونی منجر شده است. از همین روی، به‌نظر می‌رسد که در این راستا، حکمرانی صحیح فضای مجازی، اهمیت ویژه‌ای دارد. با عنایت به اهمیت و پیچیدگی‌های فضای مجازی، ضرورت توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران به این حوزه بیش‌ازپیش مشهود است. از یک‌سو توسعه زیرساخت‌های مناسب و سرعت بالا برای اینترنت می‌تواند بهره‌وری و کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشد و از سوی دیگر تدوین قوانین جامع و حمایت از حقوق کاربران و کسب‌وکارها، پایه‌های مستحکم‌تری برای رشد و توسعه اقتصاد دیجیتال فراهم می‌کند. در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز توجه به این مسائل و ارائه برنامه‌های مدون و کارآمد از سوی نامزدها، می‌تواند به‌رفع چالش‌های موجود و استفاده بهینه از ظرفیت‌های فضای مجازی منجر شود. به هر حال هر کدام از این نامزدها که به کرسی ریاست‌جمهوری برسند، قطعاً یکی از مهمترین دغدغه‌هایی که باید پیگیری و به‌بهبود وضعیت آن کمک کند فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. در واقع هر فردی که در این زمانه، زمام امور کشور را به‌دست گیرد، باید به‌شکل موازی به بهبود دو زندگی کمک کند. زندگی واقعی و زندگی مجازی که حالا دوروی سکه تاریخ معاصرند. حالا فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بخشی از واقعیت زندگی مردم در جامعه امروز است که نه‌تنها نمی‌توان آن را حذف و انکار کرد یا نادیده گرفت که باید در برابر آن برنامه داشت و دست به سیاست‌گذاری زد. سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری اختصاصی برای یک گروه خاص نیست، بلکه بخشی از سیاست‌های عمومی است که با سطوح واقعی زندگی همه مردم ارتباط دارد.